

آرای فقهی او به خطاط، ص ۸۸-۸۹؛ راوی، ص ۱۴۱).

جعفر بن مبشر در تفسیر نیز صاحب نظر بود (به خطاط، ص ۸۱؛ ابن عساکر، ص ۱۳۸؛ ابن مرتضی، ص ۷۶) و اگر چه آثار او در تفسیر قرآن در دست نیست، اما آرای او در برخی کتب تفسیری (برای نمونه به طوسی، ذیل بقره: ۱۷۸، توبه: ۶۰؛ طبرسی، ذیل بقره: ۱۴۴) آمده است. نام جعفر بن مبشر در عداد سلسله راویان حدیث معروف نوف البکالی^۵ نیز ذکر شده است (به خطیب بغدادی، ج ۷، ص ۱۷۳). به گزارش ابن طاووس (ص ۶۱) کتابی از جعفر بن مبشر نزد وی بوده که در آن جعفر حدیثی نقل کرده است در باب وصیت حضرت علی به امام حسن علیهما السلام در باره نحوه دفن ایشان و بشارت به اقامه حق به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (نیز به مجلسی، ج ۴۲، ص ۲۱۵).

برخی آثار فقهی و کلامی جعفر بن مبشر در رد آرای مخالفان و دیگر فرق اسلامی است، از جمله کتاب علی اصحاب القیاس و الرأی یا الرد علی ارباب القیاس، التوحید علی اصناف المشبهة و الجهمیة و الرافضة یا الرد علی المشبهة و الجهمیة و الرافضة، کتاب الیقین علی برغوث فی المخلوق، کتاب علی اصحاب اللطف، الحجّة علی اهل البدع، کتاب المعارف علی الجاحظ و نقد کتاب ابن شیبب فی الإرجاء، از دیگر کتابهای اوست: تنزیه الأنبياء، کتاب الدار، الحکایة و المحکى، الناسخ و المنسوخ، کتاب الأثریة، الاجتهاد، الاجماع ماعو، الطهارة، السنن یا السنن و الأحکام، الآثار الکبیر، الأمر بالمعروف و النهی عن المنکر، کتاب الخراج، المسائل و الجوابات، معانی الاخبار و شرحها (خطاط، همانجا؛ ابن ندیم، ص ۴۰، ۲۰۸). با این همه، اکنون به جز نقل قولهایی از آرای مختلف او در باره عرض یا جسم بودن قرآن (به اشعری، ص ۵۸۹-۵۹۹)، هیچ نوشته ای از او در دست نیست.

منابع: ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغة، چاپ محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره ۱۳۸۵-۱۳۸۷/۱۹۶۵-۱۹۶۷، چاپ افست بیروت [بی تا]؛ ابن اثیر؛ ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، چاپ عبدالفتاح ابوغده، بیروت ۱۴۲۳/۲۰۰۲؛ ابن طاووس، فرحة الغری فی تعیین قبر امیرالمؤمنین علی علیه السلام، چاپ تحسین آل شیبب موسوی، [قم] ۱۴۱۹/۱۹۹۸؛ ابن عساکر، تبیین کذب المفتری فیما نسب الی الامام ابی الحسن الاشعری، بیروت ۱۴۰۴/۱۹۸۲؛ ابن مرتضی، کتاب طبقات المعتزلة، چاپ سوزانا دیوالد - ویلنر، بیروت ۱۳۸۰/۱۹۶۱؛ ابن ندیم؛ اسماعیل بن علی ابوالفداء، المختصر فی اخبار البشر: تاریخ ابی الفداء، بیروت: دارالمعرفة، [بی تا]؛ علی بن اسماعیل اشعری، کتاب مقالات الاسلامیین و اختلاف المصلیین، چاپ هلموت ریتز، ویسبادن ۱۴۰۰/۱۹۸۰؛ عبدالقاهر بن طاهر بغدادی، الفرق بین الفرق، چاپ محمد محیی الدین عبدالحمید، بیروت: دارالمعرفة، [بی تا]؛ علی بن محمد جرجانی، شرح المواقف، چاپ محمد بدرالدین نعمانی حلبی، مصر ۱۳۲۵/۱۹۰۷؛ چاپ افست قم ۱۳۷۰؛ خطیب بغدادی؛ عبدالرحیم بن محمد خطاط،

کتاب الانتصار و الرد علی ابن الروندی الملحد، چاپ نیرک، بیروت ۱۹۸۶؛ محمد بن احمد ذهبی، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، چاپ علی محمد بجای، قاهره ۱۹۶۳-۱۹۶۴، چاپ افست بیروت [بی تا]؛ عبدالستار عزالدین راوی، ثورة العقل: دراسة فلسفیة فی فکر معتزلة بغداد، بغداد ۱۹۸۲؛ سماعی؛ محمد بن عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، چاپ احمد فهمی محمد، قاهره ۱۳۶۷-۱۳۶۸/۱۹۴۸-۱۹۴۹، چاپ افست بیروت [بی تا]؛ طبرسی؛ طوسی؛ قاضی عبدالجبار بن احمد، فرق و طبقات المعتزلة، چاپ علی سامی نشار و عصام الدین محمد علی، [اسکندریه] ۱۹۷۲؛ همو، المحيط بالتکلیف، چاپ عمر سیدعزمی، [قاهره ۱۹۶۵]؛ همو، المغنی فی ابواب التوحید و العدل، ج ۷، چاپ ابراهیم ایبیری، قاهره ۱۳۸۰/۱۹۶۱؛ مجلسی؛ یوسف بن عبدالرحمان مزی، تهذیب الکمال فی اسماء الرجال، چاپ بشار عواد معروف، بیروت ۱۴۲۲/۲۰۰۲؛ مسعودی، مروج (بیروت)؛ محمد بن احمد ملطی شافعی، التنبیه و الرد علی اهل الاهواء و الباطن، چاپ محمد زاهد کوثری، [قاهره] ۱۳۶۹؛ یاقوت حموی؛

Et², s.v. "Djā'far n. Mubashshir" (by A. N. Nader and J. Schacht).

/ شهناز شایان فرد گروه کلام و فرق /

جعفر بن محمد الخطی، کنیه اش ابوالبحر، شاعر

شیعی بحرینی اوایل قرن یازدهم، وی به بحرانی نیز شهرت داشت (به مدنی، ص ۵۲۴؛ بحرانی، ص ۱۱۲؛ مهتدی بحرانی، ص ۱۸۸). از تاریخ تولد و زادگاهش اطلاع دقیقی در دست نیست. وی به روستایی در بحرین به نام خطّ منسوب است (آقابزرگ طهرانی، ج ۹، قسم ۱، ص ۳۵؛ امین، ج ۴، ص ۱۵۷). در جوانی به شیراز آمد و مقیم آنجا شد (مدنی؛ امین، همانجاها). در سفری به اصفهان، با بهاءالدین عاملی^۶ (شیخ بهائی، متوفی ۱۰۳۰ یا ۱۰۳۱) دیدار و گفتگو کرد. شیخ قصیده رانیة خود در مدح صاحب الزمان عجل الله تعالی فرجه را بر وی عرضه کرد و او فی البداهه قصیده ای در معارضه با آن سرود که شیخ آن را ستود (مدنی، ص ۵۲۴-۵۲۷؛ امین، ج ۴، ص ۱۶۰). حیات شاعر مقارن با دوران انحطاط ادب عربی، به ویژه در بحرین، بود. وی اسلوب خاصی در شعر نداشت، اما به دلیل پیروی از برخی شعرای بزرگ پیشین، به ویژه شریف رضی (متوفی ۴۰۶)، شعر او اهمیت و اعتبار فراوان یافت، به طوری که شاعر و دانشمند معروفی چون علامه ماجد بن هاشم بحرانی^۷ (متوفی ۱۰۲۸) شعر او را به شعر بحرّی^۸ (متوفی ۲۸۴) تشبیه و وی را تکریم کرده است (به مدنی، ص ۵۳۱؛ تنوخی، مجلّة المجمع العلمی العربی، ج ۸، ش ۲، ص ۸۴-۸۵). با وجود زوال فنون بلاغت در اشعار آن عصر، قصاید وی پر از تشبیه و مشتمل بر تمام فنون شعری است (به تنوخی، مجلّة المجمع العلمی العربی، ج ۸، ش ۱، ص ۴۱-۴۴).

بغداد [۱۹۶۵]، چاپ افست قم ۱۳۴۲ ش؛ خیرالدین زرکلی، الاعلام، بیروت ۱۹۹۹؛ محمد امین بن فضل الله مجیب، نفحة الريحانة ورشحة طلاء الحانة، چاپ عبدالفتاح محمد حلو، [قاهره] ۱۳۸۷-۱۳۹۱/ ۱۹۶۷-۱۹۷۱؛ علی خان بن احمد مدنی، سلافة العصر فی محاسن الشعراء بکل مصر، مصر ۱۳۲۴، چاپ افست تهران [بی تا]؛ عبدالعظیم مهدی بحرانی، علماء البحرین: دروس و غیر، بیروت ۱۴۱۴/۱۹۹۴، زهرا نهاوندی /

جعفر بن محمد، امام ← الصادق، امام

جعفر بن محمد بن اسماعیل ← مصدق، جعفر بن محمد

جعفر بن منصور الیمین، عالم و داعی اسماعیلی اواخر قرن سوم و اوایل قرن چهارم، از تاریخ تولد و وفات او اطلاع دقیقی در دست نیست؛ اما، چون کتاب تأویل الزکاة را احتمالاً در آخرین سال زندگی مُعزّلدین الله، خلیفه فاطمی (متوفی ۳۶۵)، نوشته (د. اسلام، چاپ دوم، تکملة ۴-۳، ذیل ماده) احتمالاً پس از ۳۶۵ درگذشته است، در منابع اسماعیلی به زندگی او فقط اشاراتی شده است. جعفر فرزند نخستین داعی اسماعیلی در یمن، حسن بن فرج بن حوشب بن زادن کوفی مشهور به ابن حوشب و منصور الیمین^۵، بود (قاضی نعمان، ص ۱۶؛ نیز ← قاضی عبدالجبار بن احمد، ج ۲، ص ۳۷۷؛ الجامع فی اخبار القرامطة، ج ۱، ص ۲۹۷، پانویس ۴). ابن حوشب اهل کوفه بود (یمانی، ص ۳۶۰؛ قاضی نعمان، همانجا) و در ۲۶۸ به یمن رفت (← یمانی، ص ۳۶۱ و پانویس ۱؛ قاضی نعمان، ص ۲۴-۲۵). پس از آنکه عبیدالله المهدی، رهبر دعوت اسماعیلیه، در ۲۸۶ ادعای امامت کرد، ابن حوشب ادعای او را پذیرفت (د. اسلام، همانجا). در این زمان میان داعیان اسماعیلی یمن، ابن حوشب و علی بن فضل الجذنی، اختلاف افتاد و خلافت فاطمیان از جانب علی بن فضل انکار شد. از آن پس فاطمیان در یمن تنها از ابن حوشب حمایت می کردند (ادریس عمادالدین قرشی، ج ۵، ص ۴۰-۴۲). عبیدالله المهدی پس از وفات ابن حوشب در ۳۰۲ (یمانی، ص ۳۷۹)، عباس شاورری را جانشین او کرد. حسن، برادر جعفر، از حسادت شاورری را به قتل رساند. جعفر این عمل برادرش را خروج از مذهب تلقی کرد و در ۳۲۲ به مغرب، مرکز خلافت قائم بامرالله (حک: ۳۲۲-۳۳۴)، دومین خلیفه فاطمی، رفت (همان، ص ۳۷۹-۳۸۰؛ نیز ← ایوانوف^۱، ۱۹۵۵، ص ۱۴۶-۱۴۷). او علاوه بر قائم، دو خلیفه فاطمی دیگر، یعنی

اولین قصیده خطّی در دیوانش، مضمونی تغزلی دارد که آن را در ۹۹۹ سروده و دیگر اشعار را بعد از سال ۱۰۰۰ گفته است (همان، ص ۴۱). وی در جوانی به مدح امرا پرداخت. مدحیه‌ای که برای وزیر بحرین، رکن الدین محمد (محمود) بن نورالدین، در عید فطر ۱۰۰۱ سروده است، از بهترین قصاید وی به شمار می آید (مجبی، ج ۳، ص ۲۰۹؛ مدنی، ص ۵۲۷). قصیده‌ای نیز در مدح امام رضا علیه السلام سروده و در رثای امام حسین علیه السلام و برخی سادات و علویان نیز قصایدی دارد (← مدنی، ص ۵۳۴؛ امین، ج ۴، ص ۱۵۷، ۱۶۲-۱۶۵). یک خمربه و قصایدی در وصف شیراز، حلوا، خرما و ماهی نیز از او به جا مانده است (← مدنی، ص ۵۲۹؛ امین، ج ۴، ص ۱۶۸-۱۶۹). از دیگر موضوعات شعری او هجو، اعتذار، شکوه، عتاب، موعظه و مناجات است (← امین، ج ۴، ص ۱۶۵، ۱۶۸-۱۷۳). دوبیتیهای نیز هم وزن دو بیتهای فارسی دارد که آنها را در ۱۰۰۱ سروده است (← همو، ج ۴، ص ۱۵۸). بنا بر برخی منابع، خطّی در ۱۰۲۸ در شیراز وفات یافت. عمر او را بین ۴۵ تا ۵۰ سال تخمین زده‌اند (← مدنی، ص ۵۲۴؛ تنوخی، مجله المجمع العلمی العربی، ج ۸، ش ۱، ص ۴۱)؛ اما، آقابزرگ طهرانی (ج ۹، قسم ۱، ص ۳۶)، با ارائه دلایلی، تاریخ وفات او را ۱۰۴۰ یا بعد از آن ذکر کرده است. از خطّی دیوان شعری به جا مانده است که مدت‌ها شهرت داشت و در زمان خودش، حسن بن محمد غنوی هذلی (شاعر قرن یازدهم) به دستور سید شریف جعفر بن عبدالجبار بن حسین، آن را جمع‌آوری کرد (مدنی، همانجا؛ امین، ج ۴، ص ۱۵۷). اولین نسخه دیوان را دوست شاعر، جعفر بن عبدالجبار بن حسین کتابت کرده است و قدیم‌ترین تاریخی که در پایان صفحه تقدیم دیوان ذکر شده ۱۱۳۴ است (تنوخی، مجله المجمع العلمی العربی، ج ۸، ش ۱، ص ۳۸). محمد بن حسن حرّعاملی دیوان او را دیده است (قسم ۲، ص ۵۵؛ برای نسخه‌های دیگر ← آقابزرگ طهرانی؛ امین؛ تنوخی، همانجاها؛ نیز ← تنوخی، مجله المجمع العلمی العربی، ج ۸، ش ۲، ص ۹۰، ش ۳، ص ۱۶۰-۱۶۱). به گفته زرکلی (ج ۲، ص ۱۲۹) دیوان شاعر به چاپ رسیده است.

منابع: آقابزرگ طهرانی؛ امین؛ علی بن حسن بحرانی، انوار البدرین فی تراجم علماء القطیف و الاحساء و البحرین، چاپ محمد علی محمد رضا طیبی، نجف ۱۳۷۷، چاپ افست قم ۱۴۰۷؛ عزالدین تنوخی، «الادب فی البحرین»، مجله المجمع العلمی العربی، ج ۸، ش ۱ (رجب و شعبان ۱۳۴۶)، ش ۲ (شعبان و رمضان ۱۳۴۶)، ش ۳ (رمضان و شوال ۱۳۴۶)؛ محمد بن حسن حرّعاملی، امل الاملی، چاپ احمد حسینی،